

انقلاب‌واژگان

مروری بر پیشینه تاریخی شعر انقلاب اسلامی

سهراب مقدمی شهیدانی

چکیده

مستندات تاریخی فراوانی در دست داریم که نمونه‌های فراوانی از شعر سیاسی با مضامین اسلامی را به دست می‌دهد که در بستر حوادث نهضت امام خمینی، در جای جای ایران سروده شده‌اند. استفاده از زبان شعر، نقش مهمی در پیشبرد وقایع نهضت داشته، روح مبارزه با مظالم پهلوی را، چونان آتش زیر خاکستر در میان توده‌های مردم، زنده نگاه داشته است. این نوشتار با بررسی تعداد زیادی از اشعار سیاسی منتشر شده و بعضاً منتشر نشده، در نهایت یک خط ممتد شعری را برای مخاطب ترسیم می‌نماید که هم مسیر تحولات انقلابی را نشان می‌دهد و هم نمایان‌گر ماهیت و آرمان‌های قیام اسلامی مردم ایران است. بازخوانی تنوع مضمونی، زبانی و ادبی، گستره عظیم شعر انقلاب اسلامی را به رخ می‌کشد که در عین همه تکثراتش، گرد محور امام خمینی به عنوان یگانه راهبر مبارزات اسلامی





مردم ایران، به وحدت می‌رسد. مرور موضوع و موضع شعر انقلاب اسلامی، بخش دیگری از این نوشتار است که تا حدودی عرصه‌های مختلف و افق‌های آینده شعر انقلاب را نشان داده است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، پیشینه تاریخی، شعر، شاعران انقلابی، زبان انقلاب

مقدمه

زبان شعر، زبانی جامعه‌شمول است که ذهنیت مردمان عصر انقلاب و جهان زیست ایشان را بهتر از هر زبانی بیان می‌دارد. برخی نویسندگان در تحلیل انقلاب‌ها بر نمادهای ذهنی در جامعه پیش از انقلاب، تأکید فراوان دارند و شروع انقلاب را شاهی بر پایان یک جهان زیست و پدید آمدن جهان زیست تازه، برمی‌شمارند. یعنی زمانی که مردم خود را بر قالب‌بندی جامعه بر اساس آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خود از نو صورت‌بندی کنند، در این هنگام جامعه باید خود را تجدید ساخت کند و این امر باید بر مفاهیم و اصولی متفق و موافق شود. لذا سیاست همان «زبان مشترک و در عین حال متناقض بحث و عمل پیرامون مفاهیم اصلی قدرت» است که نمی‌توان از اهمیت و قدرت زبان و مباحثه، در شکل‌گیری و پیروزی یک انقلاب غفلت کرد.^۱

در کنار همه عواملی که در کنار هم گره خورده بودند تا انقلاب اسلامی به حقیقت بپیوندد، ادبیات (منظوم باشد یا منثور، شعر باشد یا شعار و سرود و...) تأثیرات بسیار زیادی در انتقال مفاهیم، تهییج و ترغیب مردم در مبارزه، آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی و دمیدن روح حماسه و شهادت‌طلبی داشت.

به واسطه سابقه تاریخی و فرهنگی مردم ایران، استفاده از زبان شعر در انتقال مفاهیم سیاسی-اجتماعی، در افشای ماهیت جنایت‌آمیز رژیم شاه و ایجاد گفتمان جدید^۲ بر اساس مبانی اسلام ناب، بسیار کارگر افتاد. البته شاعرانه‌های عصر مبارزات مربوط به نهضت امام خمینی (ره) آنچنان که باید و شاید، هرگز مورد التفات هنروران و

۱. مصطفی ملکوتیان و وحیده احمدی، «نیروی اجتماعی و تأثیر آن بر شرایط پس از پیروزی در انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، س ۸، بهار ۹۰، ش ۲۴، ص ۱۵-۱۴.

۲. مراد از «گفتمان» نه بدان معناست که جامعه‌شناسان ارجمند و انقلاب‌پژوهان محترم تحت عنوان «نظریه‌های گفتمان» مطرح کرده و می‌کنند، چه اینکه انقلاب اسلامی اساساً با کلیشه‌های نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و علوم سیاسی-چنان که بایسته و شایسته است- قابل تبیین نیست! بحث تفصیلی در این باب، نیازمند گفتاری مستقل و مبسوط است.

زبان شعر، زبانی جامعه‌شمول است که ذهنیت مردمان عصر انقلاب و جهان‌زیست ایشان را بهتر از هر زبانی بیان می‌دارد

سخن‌شناسان ادب فارسی قرار نگرفته، چنان که تاریخ‌نویسان و مستندنگاران نیز حق این ساحت مظلوم و مغفول در تاریخ سیاسی و اجتماعی معاصر را ادا نکرده‌اند. آنچه می‌خوانید گذری

کوتاه در بوستان شعر ناب انقلاب اسلامی است که تلاش شده برخی آثار و تولیدات ادبی کمتر شنیده شده را شامل باشد. امید آن که این مختصر در پیدایش آثار تفصیلی و تخصصی دیگر به کار آید.

شعر انقلاب اسلامی؛ حقیقتی مستقل و ممتاز

وقتی از «شعر انقلاب اسلامی» سخن به میان می‌آید، ناگزیر باید در آفاق بلندی نظر کرد که طلوع سپیده صبح انقلاب اسلامی را نمایان می‌سازد. این پهن‌دشت زیبای بی‌کرانه، در فرگرد یک تغافل تاریخی، از نظر دور مانده است.

شعر انقلاب اسلامی، تنها واژه‌پرداز و لفاظی نیست، بلکه معبری است به دنیای معانی و مفاهیم بلند و پیچیده؛ مفاهیمی در طراز گستره و اهمیت و جایگاه متعالی انقلاب اسلامی. در شعر انقلاب با انقلابی‌هایی رو به رو هستیم که زبان شعر را به استخدام درآوردند برای ستایش مبارزه با استبداد و استعمار و استکبار. همچنین با شاعرانی مواجه‌ایم که در کاروان انقلاب اسلامی جایی برای خویش جستند تا از تاریخ جا نمانده باشند. این است که چه بسا شعر انقلاب، گاهی در عرصه عروض و قافیه و لفظ، چندان فخیم و فاخر در چشم نیاید، با آن که موضوع و معنایش متعالی و فخیم است. چنان که در آثار برخی انقلابیون شاعر مشاهده می‌شود و چه بسیار شعرهای بلندی که هم در قالب سرآمدند و هم در معنا متعالی.

گرچه این حقیقت در منابع موجود انعکاس درخوری نیافته، اما شعر انقلاب اسلامی هرگز از تحولات نهضت جا نمانده است! امروز وقتی از «شعر انقلاب اسلامی» سخن می‌گوییم، در بسیاری از موارد، شعر روزهای پس از پیروزی نهضت، در ذهن انسباق می‌یابد و کمتر کسی است که جریان شعر انقلاب را همپای تحولات تلخ و شیرین نهضت امام خمینی بیندارد و بشناساند. حال آن که شعر انقلاب، چاووشی خوان حماسه همیشه جاوید کاروان انقلاب اسلامی است. شعر انقلاب، یک جریان پویا و پیوسته جاری است که تاریخ تحولات معاصر در آن تجلی یافته است.





به واسطه سابقه تاریخی و فرهنگی مردم ایران، استفاده از زبان شعر در انتقال مفاهیم سیاسی - اجتماعی، در افشای ماهیت جنایت آمیز رژیم شاه و ایجاد گفتمان جدید بر اساس مبانی اسلام ناب، بسیار کارگرافتاد

فقط و فقط، باید این آئینه زار را خوب بشناسیم و غبار از چهره اش بزداییم تا حقیقت انقلاب را در آن ببینیم، چنان که هست. شعری که از نهتهوی محافل دود گرفته روشنفکران به در آمد و بر زبان عامه مردم زمزمه شد و بذر خروش و خیزش را در دل

جامعه انقلابی ایران اسلامی رویانید.

شعر انقلاب اسلامی اگرچه در برخی وجوه، با شعر عصر مشروطه مشترک است اما هویتی مستقل و ممتاز دارد. در شعر انقلاب اسلامی، مفاهیم دینی و تطبیق‌های تاریخی، به نحو پرشماری بازتاب یافته و مهم‌تر آن که، مفهوم «شهادت‌طلبی» شاه‌بیت این غزل عاشقانه تاریخ است.

شعر انقلاب اسلامی، با عموم مردم سخن می‌گوید، در بند لفاظی‌ها و اغلاق‌گویی‌های روشنفکرانه گرفتار نیامده است، مردم را می‌فهمد، چنان که مردم نیز از فهمش عاجز نیستند. این است که در فضای خفقان‌بار استبداد ظاهر فریب پهلوی دوم و در عصر نضج‌گیری هنر درباری، چه بسیار شعرهای انقلابی که بر زبان عامه مردم زمزمه می‌شود بدون آن که نام شاعر آن را بدانند!

شاعران انقلاب اسلامی، در سست در روز واقعه در کنار مردم ایستادند و به جای توهم‌بافی‌های شبه‌روشنفکری، روزگار حماسه‌سازان را در قالب واژگان ریختند و هر واژه‌شان جرعه‌ای جان‌افزا به تشنگان خروش و خیزش هدیه کرد؛ چنان که مردمان کوچه و بازار با هم آوایی و هم‌زبانی، شعر انقلاب سرودند و بازتابی از نظم شاعرانه در دل طوفان حوادث شدند. در این زمانه غریب البته، همه حوادث تلخ و خونین نهضت امام خمینی، در پشت شیشه‌های دود گرفته عینک شاعران غیر مردمی و شعر فروشان درباری، تار و تاریک و محو ماند! و آنان در همه آن سال‌های پر حادثه روزه سکوت گرفتند و از عشق‌های ارزان‌شان سرودند و نان خون‌آلوده به نرخ روز خوردند!

کرامت‌تراشی روشنفکران ضد انقلاب برای شعر درباری

عجب و عجیب آن که تاریخ‌نگاران طرفدار پهلوی، امروز نقطه عطف انقلاب و نخستین جرعه نهضت در سال ۵۶ را به «شب‌های شعر کانون نویسندگان»

در شعر انقلاب با انقلابی‌هایی
رو به رو هستیم که زبان شعر
را به استخدام درآوردند برای
ستایش مبارزه با استبداد و
استعمار و استکبار

نسبت می‌دهند و بر آن‌اند که فضای باز سیاسی
دیκτη شده توسط کارتر و به دنبال آن فعال
شدن مجامع روشنفکری و برپایی شب‌های شعر
و به خشونت کشیده شدن این جلسات، عامل
ایجاد جرقه انقلاب در سال ۵۶ بوده است.^۱

صد البته که این دوستان به اصطلاح «انقلاب‌پژوه» در سال‌های سرد و سخت
مبارزات مردم ایران از سال ۴۲ تا ۵۶، هیچ نشانه‌ای از تحرک و اعتراض حضرات
شاعرپیشه به دست نمی‌دهند تا دریابیم که پیشینه و کارنامه جرقه‌سرایان سال
۵۶ چه بوده است! و باز این دوستان نمی‌نویسند که بعد از به میدان آمدن مردم و
علنی شدن قیام، این شاعران چه سرودند و پژواک شعرشان کدام تکاپوی انقلابی
را موجب شد؟

اگرچه در مورد کارنامه روشنفکران عصر پهلوی بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند،
اما از این منظر کمتر به این جریان پرداخته‌ایم که ایشان در بزنگاه‌های تاریخی
عصر مبارزه، چه می‌خواستند و چه می‌گفتند و از چه می‌سرودند و چه کسی
را می‌ستودند. شاید به عنوان یک نمونه، بازخوانی سخنان بنیان‌گذار «مجله
ادبی سخن» بسیار گره‌گشا باشد. پرویز ناتل خانلری، منتقد، نویسنده و شاعر
شهیر عصر پهلوی در هنگامه وقوع قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ در کسوت «وزیر
فرهنگ» مشغول بود. او بعد از واقعه در جلسه هیئت دولت به رئیس دولت
حمله کرده و علم را به کوتاهی در کشتار مردم مسلمان متهم نموده است که
چرا با شدت عمل بیشتری با مردم معترض در روز ۱۵ خرداد برخورد نشده
است! در واقع از منظر خانلری، می‌بایست نخست‌وزیر با شدت بسیار بیشتری
در مقابل انقلابی‌های طرفدار امام خمینی برخورد می‌کرده است. خانلری در
آن جلسه چنین می‌گوید:

این طور که بنده دیدم طبقه روشنفکر سخت عصبانی است و بر له
[طرفدار] دولت است و می‌گوید چرا دولت سستی می‌کند و اقدام

۱. مهرداد درویش‌پور، «ترازنامه و چشم‌انداز جنبش دانشجویی ۱۸ تیر»، هوشنگ کشاورز صدر و حمید
اکبری (به کوشش)، تجربه مصدق در چشم‌انداز آینده ایران (مجموعه مقالات همایشی به همین عنوان که
از ۱۳ تا ۱۶ اردیبهشت ۸۰ در دانشگاه الینویز نور دیترون برگزار شد)، ص ۳۰۵.
عیناً و ایضاً همین سخن بی‌راه را پیش‌تر جناب آقای آبراهامیان (نویسنده چپ دیروز و تاریخ‌پژوه لیبرال
امروز)، گفته بود. رک؛ ایران بین دو انقلاب، ص ۶۲۴-۶۲۳.





پس از تبعد امام، آنگاه که همه راه‌های اظهار وفاداری و پشتیبانی از امام (ره) بر مردم بسته بود، سلاح سخنوری در میدان مبارزه به کار گرفته شد و البته در جهت بیداری همگانی بسیار کارگر افتاد

شدید [در برخورد با معترضان] نمی‌کند. مطلب دیگر اینکه شترسواری دولا دولا نمی‌شود؛ [برای سرکوب مخالفان] تصمیم قاطع باید گرفت. اگر سست بگیریم مملکت از میان می‌رود. مسئله مربوط به خودمان نیست. ما می‌توانیم استعفا بدهیم ولی مملکت از بین می‌رود. ما تصمیم قاطع باید بگیریم. ما وقتی یک ستوان دوم اگر عملی کرد او را تعقیب می‌کنیم، به هر صورت حکومت نظامی ضرورت کامل دارد و بسیار شدید باید عمل کرد!^۱

این تنها یکی از هزاران است. گرچه بازخوانی حقایق تاریخی شاید برخی مریدان چشم و گوش بسته را ناخوشایند به نظر رسد اما تا هنگامی که تاریخ به همان گونه که اتفاق افتاده روایت نشود، قدر و منزلت شاعران انقلابی، نمایان نگردد. شاعران و نویسندگان دهه ۴۰ و ۵۰ بیشتر برای مجامع روشنفکری و محافل ادبی می‌نوشتند و توجهی به مسائل و مشکلات عامه مردم نداشتند. در این میان عده‌ای از نویسندگان که با وضع داخلی کشور و ارزش‌های انقلاب اسلامی نمی‌توانستند کنار بیایند، به کشورهای اروپا و امریکا مهاجرت کرده و دور از وطن به کار خود ادامه دادند که در آثارشان مایه‌های ملی، غم غربت و ناخشنودی از انقلاب و ارزش‌های متعلق به آن دیده می‌شد.

سال‌های مبارزه، عصر اوج ادبیات چپ در ایران و جهان است. اما چپ‌ها - در انواع و گونه‌های فکری و رفتاری متفاوت‌شان - به رغم ادعای مبارزه‌جویی، هرگز حاضر نشدند در هنگامه خطر، در کنار مردم بایستند و پژواک شاعرانه‌های فانتزی‌شان نوعاً از نهنوی دوداندود محافل ادبی آن‌سوتر نرفت. البته بسیاری از شاعران و نویسندگان متعهد به روال همان روز و یا با تمایلات مذهبی کار می‌کردند و با سلاح قلم به گونه‌ای مبارزه و اعتراض می‌کردند.^۲

۱. متن کامل مذاکرات هیئت دولت طاغوت در پانزده خرداد ۱۳۴۲؛ اسناد فاش‌نشده‌ای از قیام خونین ۱۵ خرداد، بی‌جا، دفتر هیئت دولت و روابط عمومی نخست‌وزیری، بی‌تا، ص ۲۶.
۲. مرضیه رجبی طوسی، «بوی سیب چشم‌هایت آشناست (تأثیر ادبیات بر انقلاب و ادبیات فاخر)»، فرهنگ پویا، ش ۱۹، زمستان ۱۳۸۹، ص ۸۷-۹۰.

آغازین چکامه‌ها در شعر انقلاب اسلامی

در شعر انقلاب اسلامی، مفاهیم دینی و تطبیق‌های تاریخی، به نحو پرشماری بازتاب یافته و مهم‌تر آن که، مفهوم «شهادت‌طلبی» شاه‌بیت این غزل عاشقانه تاریخ است

شعر انقلاب اسلامی در یک نگاه به دو بخش قابل تقسیم است: نخست هویت مستقلی که امروز این جریان شعری را با آن می‌شناسیم و دوم آن قسمی که ریشه در گذشته دارد. در یک نگاه، نهضت ادبی

عصر مشروطه تا حدودی نقطه آغازین بخشی از انقلاب اسلامی است. خصوصاً آثاری از سید احمد ادیب پیشاوری یا شعری که درباره شهادت شیخ فضل‌الله نوری سروده شده است، به نوعی آغازکننده این راه بوده‌اند.

حتماً شعر احمد خوانساری در رسای شیخ فضل‌الله، یکی از واگو‌یه‌های ماندگار در شعر انقلابی معاصر است:

دست حق در دست می‌آمد روان بر پای دار تا بلند آوازه سازد بعد از این آوای دار
آن که در آینه اندیشه می‌بیند خدای کی کند اندیشه از رنج توان فرسای دار
گاه خورشید از عشق خدا بر نیزه‌ها گاه از شوق خدا خورشید بر بالای دار
پر تو خورشید فضل‌الله نوری تافته است جاودان از مشرق خونین و خونپالای دار

در جریان‌شناسی شعر متعهد و انقلابی معاصر، اگرچه از ادبیات مشروطه به خصوص شعر این دوره می‌توان به عنوان یک نقطه آغاز سخن گفت، که هم در لفظ و هم در مضمون شاعران دهه‌های بعدی تأثیر گذار بوده است، لکن دستاوردهای انقلاب مشروطه در بعد سیاسی و اجتماعی، با آغاز دیکتاتوری رضاشاه، یکسره از میان رفت. گرچه در سکوت مرگ‌اندود عصر رضاخانی، تک‌واژه‌های شب‌شکنی گاه از حلقوم حق‌گویان بلند می‌شد اما در کوتاه‌زمانی این فریادسرای‌ها با مشت استبداد، چون بغض در گلو خفه می‌شد. یک نمونه فاخر از شعر انقلابی در عصر رضاخانی، آثاری است که در آیت‌الله شیخ یوسف نجفی جیلانی، نویسنده کتاب *ارجمند طومار عفت*^۱ است که در

۱. کتاب *طومار عفت*، از بهترین رساله‌هایی است که در باب حجاب به نگارش درآمده و در زمان خود هفت سال زودتر از تصویب قانون کشف حجاب، به دفاع از موضوع حجاب پرداخته است. مرحوم آیت‌الله جیلانی با همت بلند و بینش عمیق و اطلاعات گسترده دینی و اجتماعی اقدام به تألیف این کتاب نمود. بدین جهت مجرم شناخته شد و توسط عامل رضاخان در گیلان (ژنرال فضل‌الله زاهدی) دستگیر و زندانی و محکوم به شلاق گردید. این عامل مزدور پس از تراشیدن ریش آیت‌الله جیلانی، او را به طرز بی‌شرمانه‌ای در یکی از روستاهای فاقد امکانات آن روز، یعنی ماسوله تبعید کرد. ایشان با تحمل محدودیت‌ها و رنج‌های فراوانی این دوران را سپری نمود. برای اطلاع بیشتر در مورد زندگانی ایشان رک: «زندگی نامه آیت‌الله شیخ یوسف نجفی جیلانی»، <http://www.rangeiman.ir/5771>





ترسیم اوضاع خفت‌بار عصر پهلوی چنین می‌سراید:

ارکان فلک فتاده در چشم ملوک رذلان همه حاکم‌اند در شهر و بلوک
گفتم به فلک، رذل‌پرور شده‌ای خندید که الناس علی دین ملوک^۱
به اعتقاد برخی محققین مهرداد اوستا با شعر «ارمغان غرب»، موسوی گرمارودی،
طاهره صفارزاده و علی معلم جزو نخستین کسانی بودند که شعر انقلاب اسلامی
را بنا نهادند.^۲ اما واقعیت آن است که شعر انقلاب اسلامی با آن گستره عظیم
و ناشناخته‌اش، بنایی مستحکم و بلندمرتبه است که به این آسانی نمی‌توان
بنیانگذارانش را بازشناخت یا معماری‌اش را در یک یا چند نام منحصر کرد.
بازشناسی هویت و ماهیت شعر انقلاب اسلامی بدون شناخت ریشه‌ها و پیشینه
تاریخی آن ممکن نیست و این نوشتار در پی نشان دادن خط سیر تاریخی شعر اصیل
مبارزه بر اساس مبانی و مفاهیم دینی ناب است.

راهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، شخصیت بی‌بدیلی
است که در کنار همه فضائل اخلاقی و فکری‌اش، از قریحه بلند شعری نیز برخوردار
بوده و خود از پیشگامان شعر انقلاب اسلامی نیز محسوب می‌شوند. به عنوان نمونه،
امام در توصیف زمانه خفقان رضاخانی، چنین می‌سراید:

از جور رضاشاه کجا داد گنیم زین دیو، بر که ناله بنیاد گنیم
آن دم که نفس بود، ره ناله ببست اکنون نفسی نیست که فریاد گنیم^۳

پیوند حداکثری شاعران انقلابی با مردم، و در هم تنیدگی ادبیات و تاریخ، یکی
از امتیازات شعر انقلاب اسلامی است. همین امتیاز موجب می‌شود که نتوان شعر
انقلاب اسلامی را در هیچ قالبی محصور و محدود کرد، نه در قالب جغرافیا و زبان
خاص، و نه در قالب شخصیت‌های شهیر. در دوران بحران مخاطب و محرومیت
شاعران از پایگاه اجتماعی، شاعران انقلاب از دل مردم جوشیدند و حرف دل آنان
را سرودند و سخن‌شان بر دل مردم نشست. شعر انقلاب اسلامی در همه سال‌های

۱. حسن شمس‌گیلانی، تاریخ‌علما و شعرای گیلان، تهران، کتاب‌فروشی و چاپخانه دانش، ۱۳۲۷، ص ۱۱۱.

۲. «ادبیات انقلاب اسلامی، حیثیت فرهنگی ماست»: گزارشی از نشست‌های تخصصی «درباره شعر انقلاب اسلامی»، گزارشیگر: مؤذنی، جواهر، مجله رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۰۲، تابستان ۱۳۹۱، ص ۷۹-۷۷.

۳. امام خمینی، ایوان اشعار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۲، ص ۳۱۷.

مبارزه، از یک سو با راهبر نهضت ارتباط عاطفی اش را حفظ کرد و از دیگر سو بر عهد خویش با مردم باقی ماند. یک نمونه خواندنی و جذاب از همزیستی شعر انقلابی با ادبیات عامیانه، شعری است که چند دهه است که در زبان عشایر جنوب زمزمه می‌شود و حکایتی دارد شنیدنی!

متن این شعر به زبان لری است و در آن با زبان دیالوگ، به ماجرای نامه مرحوم حبیب‌الله شهبازی به امام خمینی در سال ۴۱ اشاره دارد. در این شعر جنگجوی عشایری از امام خمینی درخواست می‌کند که فقط کاغذی حاوی فتوای جنگ و جهاد صادر کند تا او تفنگ به دست بگیرد! متن شعر و ترجمه آن به شرح ذیل است.

متن شعر به زبان لری:

کاغذی آورده تیم آغی خمینی
دستور جنگ وم بده، تو جانشینی
موسید مشتهدم مین دل شیرازم
نیتروم بی قرص شا برنو بسازم
کاغذت وم برس، کاری نیارم
ای روم زر دار بلی برنو ایارم
ترجمه فارسی:
ای آقای خمینی از تو کاغذی می‌خواهم
دستور جنگ به من بده
زیرا تو جانشین [امام زمان (عج)] هستی
امام هم در پاسخ می‌گوید؛
من یک سید مجتهد هستم و نمی‌توانم پای قصر شاه برنو بسازم و برایت بفرستم!
عشایر جواب می‌دهد؛
لازم نیست تفنگ برایم بفرستی
فقط کاغذت [=نامه فتوای جهاد] به من برسد، می‌روم و از درختان بلوط برنو
درمی‌آورم!^۱

۱. کشواد سیاهپور، «تأثیرپذیری ادبیات عامیانه و حماسی ایل بویراحمد از نهضت امام خمینی»، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات (مجموعه مقالات)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ کشواد سیاهپور، قیام عشایر جنوب (۱۳۴۳-۱۳۴۱)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۸، ص ۶۸-۶۷.





شاعران انقلاب اسلامی، درست در روز واقعه در کنار مردم ایستادند و به جای توهم‌بافی‌های شبه‌روشنفکری، روزگار حماسه‌سازان را در قالب واژگان ریختند و هر واژه‌شان جرعه‌ای جان‌افزا به تشنگان خروش و خیزش هدیه کرد

درست در زمانی که امثال خانلری دستور به هدم مردم انقلابی می‌دهند و از وفاداری روشنفکران به دربار سخن می‌گویند، مردم در گوشه و کنار، سلاح قلم به دست گرفته‌اند و حماسه می‌سرایند و این از عجایب و امتیازات شعر انقلاب اسلامی است.

با وقوع قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و داغ شدن تنور انقلاب و اعتراض، بسیاری از شاعران در آن مقطع زمانی با فریاد تظلم و دادخواهی و با اهتزاز پرچم مبارزه از طریق شعر - و البته نه با زبان رمز و کنایه که به تصریح - به طرفداری از اهداف و آرمان‌های امام خمینی (ره) و مبارزه با سلطنت پهلوی پرداختند. این بیداری ادبی تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۵۷ و روزهای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران تداوم یافت.

در حقیقت شعر انقلاب اسلامی با ورود آشکار امام به عرصه مبارزه در آغازین سال‌های دهه چهل جاری می‌شود و اولین زمزمه‌های انقلاب و حرکت‌های منظوم به ویژه از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ مطرح می‌گردد. یکی از عواملی که در آن سال‌ها تأثیر گذاری این قیام را در اذهان مردم ایران بیشتر می‌کرد، بازتاب سریع و متعهدانه واقعه خونین خرداد ۱۳۴۲ در اشعار شاعران انقلابی بود. اگرچه اغلب این اشعار علنی و گاهی بدون نام و نشان منتشر می‌شد اما دهان به دهان تکرار می‌شد و هر روز گوشه‌ای از عمق این فاجعه عظیم را برای مردم به یاد می‌آورد.

یکی از اشعاری که در این زمان خطاب به امام خمینی بیان شده:

آیت‌الله خمینی آیت‌اللهی تورا است

مرجع تقلید مایی حق خونخواهی تورا است

ما درودت می‌فرستیم و سلامت می‌کنیم

روزگار تلخ را شیرین به کامت می‌کنیم

لکه ناحق بر پیراهن پاکت زند

ما مسلمانان بری از اتهامت می‌کنیم

بر علی سوگند و بر جان عزیزانش قسم

شاه را ما عاقبت روزی غلامت می‌کنیم

یا در زمانی که نیروهای رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه حمله کرده و طلاب را مورد

شاعران و نویسندگان دهه ۴۰ و ۵۰
بیشتر برای مجامع روشنفکری و
محافل ادبی می نوشتند و توجهی
به مسائل و مشکلات عامه مردم
نداشتند

ضرب و شتم قرار داده و بسیاری را به شهادت
رساندند روی دیوار فیضیه شعارها و شعرهایی
علیه رژیم دیده می شد.

آشیان من بیچاره اگر سوخت چه باک فکر ویران شدن خانه صیاد کنید
ای دل بیا به کعبه مقصود رو کنیم از کشتگان حوزه قم جست و جو کنیم
یا در شعر دیگری آمده است:

بر خاک و خون کشیدند، طلاب بی گناه را آتش زدند ز کینه، عمامه و عبا را^۱
در سال ۴۱ در یکی از اشعاری که به مناسبت الغای تصویرنامه انجمن های ایالتی و
ولایتی سروده شده و به نقش رهبری امام در مبارزه اشاره دارد می خوانیم:

به جان پاک حجج، رهبران این نهضت نثار باد سلام و ثنای نامحدود
علی الخصوص خمینی، بزرگ آیت حق که عاشقانه در این صحنه قد علم فرمود
یگانه رهبر بیدار و پیشوای دلیر که از شهادت خود اجتماع زنده نمود
نمود تکیه به پروردگار و کرد قیام وز آن قیام، شکوه و جلال دین افزود
شجاعت است و صراحت همیشه شیوه اوست بدین دو عامل عرشی رسد به هر مقصود
دل شریعت و تقوا بدو سکون دارد کز این قیام ز رخسار دین، غبار زدود
سلام باد بر این پیشوای آزادی درود بر این رهبر شجاع، درود^۲
مردم اصفهان نیز از هنر شعر در راه پشتیبانی از امام بهره گرفتند و مبارزه و
مخالفت آشتی ناپذیر ملت ایران با رژیم شاه را آشکارا اعلام کردند. یک نمونه از
این اشعار چنین است:

قسم به جان خمینی، زعیم شرع مدار به ره روان حقیقت به حرمت احرار
به خون پاک شهیدان راه آزادی به حق هر که کند با ستمگران پیکار
به مادری که جگر گوشه اش به خون غلتید به کودکی که فکندش، مسلسل اشرا
که شاه خائن بیدادگر، اگر از کین هزار مرتبه کشتار را کند تکرار

۱. سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، دفتر اول،
۱۳۹۳، ص ۳۹۵.

۲. همان، ص ۲۳۲. اشعاری که در اینجا ذکر می شود متعلق به آقای محمد حسین بهجتی اردکانی و مربوط
به تاریخ ۱۳۴۱/۹/۱۴ می باشد.





ز دودمان وی و جمله جیره خوارانش به انتقام شهیدان بر آوریم دمار^۱ به دنبال وقوع نهضت خونین ۱۵ خرداد ۴۲ که امام از آن به عنوان «طلیعه نهضت» یاد می‌کنند، هر ساله در سالگرد این واقعه تاریخی، مبارزان از زبان شعر در زنده نگاه داشتن این واقعه، به صورت حداکثری بهره می‌جستند و این اشعار به صورت مکتوب و شفاهی مخاطبان عمومی می‌یافت و در شعله‌ورتر کردن آتش قیام، تأثیر گذار می‌نمود. با آغاز دهه محرم سال ۴۳، مراسم نوحه خوانی و عزاداری در منزل امام برپا بود و در لابه لای نوحه‌ها، یاد شهدای قیام ۱۵ خرداد زنده نگاه داشته می‌شد. برخی از این نوحه‌ها از قبیل زیر است:

آیت‌الله خمینی رهبر دین مبین آیت‌الله خمینی ای زعیم مسلمین
دهم محرم، عاشورای حسینی ۱۲ محرم، عاشورای خمینی
در سالگرد قمری حادثه ۱۵ خرداد، طی اطلاعیه‌ای با امضای حوزه علمیه قم، ۱۲ محرم عزای عمومی اعلان شد و در این اعلامیه نیز، از زبان شعر استفاده شده بود و طلیعه اعلامیه چنین بود:

«در نیمه خرداد هر آن ظلم که رخ داد یک گوشه ز الطاف ملوکانه شه بود»^۲
از جمله شاعران سرشناس متعهد شعر انقلاب غلامرضا قدسی، شاعر شهیر خراسانی است که بارها به دلیل سرودن اشعار انقلابی به زندان افتاده و شکنجه‌های جسمی و روانی بسیار در این راه دیده و چشیده است. او پیش از وقوع قیام ۱۵ خرداد بارها با زبان رمز، سکوت مرگبار حاکم بر کشور را به تصویر کشیده بود اما بعد از ۱۵ خرداد با زبانی صریح به انعکاس حماسه پر شور مبارزات پنهان و پیدای مردم مسلمان در اشعار خود پرداخت.
قدسی در سالگرد نهضت و در بهار ۱۳۴۳ که رژیم ستم‌شاهی مقاومت‌ها را با خفقان پلیسی در هم شکسته بود و در پی انزوای مبارزه‌جویان مسلمان بود، قطعه «سایبان شعله» را سرود:

۱. رک: همان، ص ۵۷۱؛ گزارشی از حماسه ۱۵ خرداد اصفهان به روایت خاطرات؛ ص ۴۹. شعر از محمدعلی صاعد است.

۲. سید حمید روحانی، همان، ص ۹۴۵.

«سایبان شعله»

بهار آمد و از خرمی نشانی نیست
گلی به دامان بوستانی نیست
سر شک ابر غباری نشست از رخ باغی
که از طراوت و لبخند گل نشانی نیست
مگر ز خلوت گل پر نمی کشد نکهت
که گرم شور و نوا مرغ نغمه خوانی نیست
چه غنچه‌ها که شد از جور باغبان پر پر
خوش آن چمن که گرفتار باغبانی نیست
سکوت مرگ چنان خیمه زد به دامن دشت
که در خروش در این دشت کاروانی نیست
به گوش غنچه نسیم سحر نهانی گفت
در این چمن گل شاداب و شادمانی نیست
در این محیط چنان بسته لب ز بیم صدف
که غیر دیده روشن گهر فشانی نیست
مکن اطاعت فرمان اهرمن و رنه
تو را به سر به جز از شعله سایبانی نیست
چنان گرفته دلم «قدسی» از وطن که مرا
به غیر گوشه ویرانه آشیانی نیست^۱

در دومین سالگرد قیام ۱۵ خرداد، شعری نیمایی و نسبتاً بلند با عنوان «خون‌های جوشان»، در ششمین شماره مجله/انتقام درج شد.^۲ این شعر از حجت الاسلام

۱. محمد طاهری خسروشاهی، «بازتاب قیام ۱۵ خرداد در آثار پیشاهنگان شعر انقلاب»، پانزده خرداد، س ۱۰، بهار ۱۳۹۲، ش ۳۵، ص ۲۷۹-۲۷۸.

۲. یکی از نشریات مخفی طلاب حوزه علمیه، نشریه/انتقام بود که از تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۴۳ م/۱۵ شعبان ۱۳۸۴ با استفاده از آیه شریفه «والله عزیز ذو انتقام» - در ضمن نام نشریه - شروع به انتشار نمود و تا تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۴۴/۷ جمادی الآخر ۱۳۸۵ انتشار آن ادامه یافت و جمعاً هشت شماره از آن منتشر گردید. حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی در این مورد چنین می نویسد:

«این نشریه با محتوایی تقریباً مشابه محتوای مقالات بعثت، اما کمی رادیکال تر، توسط آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، تهیه و تنظیم و تکثیر و توزیع می شد... در واقع استاد مصباح، همه کار این نشریه را، از تهیه و نوشتن مقالات و اخبار، تا تایپ و چاپ و حتی بسته بندی و توزیع، خود به تنهایی انجام می داد و این، علاوه بر همکاری صمیمانه ایشان با نشریه بعثت و نوشتن مقالاتی برای آن و یا شرکت در بعضی از جلسات آن، در زمان انتشار بود...».

رک: سید هادی خسروشاهی، اسناد نهضت اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۵.



نقطه آغاز شعر انقلاب اسلامی
با آغاز اصل نهضت متولد شده
است و از آن پس، شعر در همه
مراحل نهضت، حضور دارد
و آتشفشان واژگان، تنور
مبارزه را در همه ادوار و فراز و
فرودهای نهضت امام خمینی،
گرم نگاه داشته است

محمد حسین بهجتی یزدی (شفق) است. مرحوم
شفق، از گروه اولین شاعران متعهدی است که بعد
از وقوع قیام ۱۵ خرداد، به مناسبت‌های مختلف از
جمله رثای شهدای ۱۵ خرداد و آزادی امام خمینی،
اشعار حماسی زیبایی سروده است. در اینجا به برخی
از بیت‌های این شعر فخیم اشاره می‌کنیم:

«خون‌های جوشان»
افق امروز چرا سرخ‌تر است
سینه‌اش خونین است
می‌خراشد رخ و خون می‌ریزد
دامنش رنگین است
یارب این منظره چیست؟
راستی این بر و این بوم سیه، ایران است؟
پس چرا ویران است
این همان کشور آباد کهن سال بود؟
راستی بیشه شیران است این؟
پرورشگاه دلیران است این؟
نه، نه! کو شکوه جمشید؟
کو جلال ابدیت که بر آن می‌زد موج؟
چه شد آن کاخ که زنجیر عدالت می‌داد
زینت ایوانش؟
دیگر آن ایران نیست
محبسی ویران است
ملتی پای به زنجیر و اسیر
اندر آن می‌نالند
این افق نیست که بینی از دور
گرد این حبس، حصار یست بلند



که ز خون شهدا
 جا به جا قرمز و خون آلود است
 وه که این صحنه چه در داندوه است
 دیگر این ایران نیست کوره‌ای سوزان است...
 افق امروز ملال‌انگیز است
 می‌خراشد رخ و خون می‌ریزد
 در غم پانزده خرداد است
 تا ابد ننگ از این حادثه بر می‌خیزد
 نرود هیچ ز یاد
 خون زند جوش هنوز
 در تن پاک شهیدان غیور
 خون آن مردم آزاد نیفتد از جوش
 آری این شعله نگردد خاموش
 هرگز آرام نگیرد این موج
 تا ز بن بر نکند ریشه بیداد سیاه
 به امید آن روز...^۱

نعمت میرزازاده (م. آزر م) - صرف نظر از عاقبت سیاسی و فکری و فرجام ادبی‌اش و تنها به لحاظ اهمیت تاریخی - از جمله شاعرانی است که در توصیف و ستایش نهضت امام خمینی اشعار خوبی دارد. در میان آنها قصیده «به نام تو سوگند» جدا از صلابت کلام، اولین شعری است که در آن از رهبر انقلاب با تعبیر «امام» یاد می‌شود.^۲ این شعر در سال ۴۳ سروده شده و جالب آن که امام در نامه خود به جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حکیمی در آبان ۱۳۴۸، به این شعر اشاره کرده

۱. محمد قبادی (به کوشش)، *خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسین بهجتی (شفیق)*، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸، ص ۸۳.

۲. نخستین شخصیتی که عنوان «امام» را برای رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به کار برد، استاد فرزانه محمد رضا حکیمی بود، که در کتاب *سرود جهش‌ها* که در سال ۱۳۴۲ به رشته نگارش کشید، چنین آورد: «... در این روز و روزگار، دیگر این نشان تشیع را بر کسی ندیدیم و این سخن عزیز شیعی «انتم علی احدی الحسنیین» را از کسی نشنیدیم، مگر از پیشوای شیعی اندیش معاصر و یادگار پیشینه‌های شیعه، امام خمینی...».



است.^۱ بخشی از این شعر در پی می آید:

«مجاهد در بند»

ای ز وطن دور ای مجاهد در بند
ای دل اهل وطن به مهر تو پیوند
نای تو خاموش همچو خشم که در مشت
جان تو در جوش همچون شیر که در بند
ای ز وطن دور ای امام خمینی
ای تو علی را یگانه پور همانند^۲

همین شاعر در سروده‌ای دیگر خطاب به امام خمینی از شهادت آیت‌الله سعیدی یاد کرده و از جنایات رژیم شاه به خلق ایران سخن گفته است. او در این شعر باز هم رهبر نهضت را با لفظ «امام» خطاب می‌کند و چنین می‌سراید:

۱. امام خمینی به تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۴۸ خطاب به جناب آقای محمد حکیمی، به اشعار نعمت آزر م اشاره می‌کند و چنین می‌نویسد:

«بسمه تعالی

رمضان المبارک ۱۳۸۹

جناب مستطاب ثقه الاسلام آقای حکیمی - دامت افاضاته

گرچه جناب آقای آزر م را ملاقات نکرده‌ام لکن تا اندازه‌ای از روحيات ایشان اطلاع دارم. قبلاً هم پس از انتقال به عراق قطعه شعری که حاکی از افکار ایشان تا اندازه‌ای بود ملاحظه نموده‌ام. اینک نیز «پیام» بلند پایه را دیده و از ایشان تقدیر می‌کنم.

این جانب روزهای آخر عمر را می‌گذرانم، و مع الأسف نتوانستم خدمتی به اسلام عزیز و مسلمین بنمایم؛ ملت‌هایی که با جمعیت بسیار انبوه و اراضی بسیار وسیع و ذخایر بسیار گرانبها و سوابق بسیار درخشان و فرهنگ و قوانین آسمانی در تحت اسارت استعمار با گرسنگی و برهنگی و فقر و فلاکت و عقب ماندگی دست به گریبان و در انتظار مرگ نشسته‌اند، [و] دولت‌ها که به دست استعمار تشکیل می‌شوند، جز در خدمت آنها نمی‌توانند باشند. اختلافات موجوده در بین سران دول اسلامی - که میراث ملوک الطوائفی و عصر توحش است و با دست اجانب برای عقب نگاه داشتن ملت‌ها ایجاد شده است - مجال تفکر در مصالح را از آنها سلب نموده است. روح یأس و ناامیدی که به دست استعمار در ملت‌ها حتی در رهبران اسلامی دمیده شده است آنها را از فکر در چاره‌جویی باز داشته است. امید است طبقه جوان که به سر دی‌ها و سستی‌های ایام پیری نرسیده‌اند با هر وسیله‌ای که بتوانند ملت‌ها را بیدار کنند؛ با شعر، نثر، خطابه، کتاب و آنچه موجب آگاهی جامعه است؛ حتی در اجتماعات خصوصی از این وظیفه غفلت نکنند، باشد که مردی یا مردانی بلند همت و غیر تمند پیدا شوند و به این اوضاع نکبت‌بار خاتمه دهند. باید جوان‌های تحصیل کرده از این هیاهوی اجانب خود را نیازند، و سرگرم بساط عیش و نوشی که به دستور استعمار برای آنها و عقب‌نگه داشتن آنها فراهم شده است نگردند. باید اشخاص بیدار، تولید مثل کنند و هر چه بیشتر هم‌فکر و هم‌قدم پیدا کنند و صفوف خود را فشرده کنند، و در ناملازمات پایدار و جدی و قوی‌الاراده باشند، و از توأصی به حق و توأصی به صبر، که دستوری است الهی، غفلت نکنند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواهانم. سلام این جانب را به آقای آزر م و هر کس که در فکر چاره است ابلاغ نمایید. و السلام علیکم.

روح‌الله الموسوی الخمینی»

رک: صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۴.

۲. محمد طاهری خسروشاهی، همان، ص ۲۷۳.



الا ای امام بحق برگزیده
 الا ای تو اسلام را نور دیده
 الا ای که یزدان پس از روزگاران
 پس افکند دوران، تو را آفریده
 امام بحق ای خمینی که ایران
 تو را چند سالی ست دوری کشیده
 بزرگا، اماما که بعد از امامان
 چنان تو اسلام، رهبر ندیده
 زعیما، اماما از ایران چه پرسی
 که سجن بزرگی است، در خون طپیده
 بیا که ضحاک، دین و وطن را
 چنان کرده سودا که گویی خریده
 محمدرضای سعیدی، بزرگی
 که اسلام او را به جان پروریده
 ز بیداد ضحاک و دژخیم‌هایش
 شهیدی است اینک به خون آرمیده^۱

مرحوم مهرداد اوستا^۲ از دیگر چهره‌های شناخته‌شده ادبیات انقلاب است که از ابتدای نهضت ۱۵ خرداد با سرودن اشعار حماسی و انقلابی، تا انتها در کنار انقلاب ماند.^۳ او در کنار اشعار انقلابی پرشمارش، قصیده‌های بلند و خوش قافیه با عنوان «پردگی بامداد» سروده است. این قصیده پنجاه و شش بیتی که در اعتراض به تبعید امام بعد از حادثه ۱۵ خرداد، نگاهی پرشکوه و لبریز از امید و انتظار دارد به روشنی بازتاب‌دهنده تمام واقعیت‌های نهفته در قیام ۱۵ خرداد است که با کلماتی رسا و مستحکم و وزین در ادبیات شعرهای انقلابی قبل از وقوع انقلاب، می‌درخشد. بندهایی چند از این قصیده زیبا را مرور می‌کنیم:^۴

۱. سید حمید روحانی، همان، دفتر دوم، ص ۹۱۴-۹۰۸.

۲. مهرداد اوستا (زاده ۲۰ بهمن ۱۳۰۸ بروجرد- وفات: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۰ تهران)، نویسنده و شاعر معاصر ایرانی؛ وی در شهر یورماه ۱۳۳۲ خورشیدی شعرهایی در مخالفت با رژیم پهلوی سرود و مدت هفت ماه را به عنوان زندانی سیاسی در زندان گذراند.

۳. شاید به همین جهت است که برخی اوستا را «پدر شعر انقلاب» می‌دانند.

۴. محمد طاهری خسروشاهی، همان، ص ۲۷۷-۲۷۶.





آن مرغ را چه بیم قفس، کش نمانده‌اند
 بر من خدای داند و پیغمبرش اگر
 سرمست هیچ باده نیاید کسی چو من
 با من به خون تپید اگر بی‌گنه کسی
 خونابه‌اش ز دیده من ریخت گر به قهر
 واپس‌تر آدم‌چورسن تاب هر چه بیش
 بالای آن درخت بنازم که آسمان
 زان آتشی که سوخت‌مراهیچ کس نسوخت
 بر سر ستاره خواهی اگر بایدت نخست
 روزی که ای امید دل مهر و مردمی
 باری بپرس منتظران را کز اشتیاق
 خورشید اگر نبود به چشم‌ت نهان چرا
 بخت مرا نکشت یکی گل که خود نشد
 چون غنچه پرده پرده دل، خون شد از غمت
 آزادگی چو خواست گزیند نژاده‌ای
 ای چرخ داد مردم آزاده را بگوی
 خورشید تو که از بر خاور گشود پر

پس از تبعید امام، آنگاه که همه راه‌های اظهار وفاداری و پشتیبانی از امام (ره) بر مردم بسته بود، سلاح سخنوری در میدان مبارزه به کار گرفته شد و البته در جهت بیداری همگانی بسیار کارگر افتاد. گرایش به شعر در این دوره خفقان و سرکوب، منجر شد به خلق آثاری که برخی از آنها تاکنون شاعرانش همچنان گمنام مانده‌اند. مرور برخی از اشعار این دوره، راهی است به کشف حقایق تاریخ خفقان‌بار عصر پهلوی و از همین رو، در ادامه برخی از این اشعار را مرور می‌کنیم:

نایب ختم امامان آیت‌الله خمینی

بنده محبوب یزدان آیت‌الله خمینی راهنمای اهل ایمان آیت‌الله خمینی
 ناصر دین خدا و حافظ شرع پیامبر مجری احکام قرآن آیت‌الله خمینی
 گرچه پنهانست فیضش، می‌رسد بر خلق عالم همچنان خورشید تابان آیت‌الله خمینی^۱

۱. بنابر گزارش ساواک در تاریخ ۴۳/۱/۱۹، این اشعار را یکی از بارفروش‌های تهران به نام حاج حسن شهرزی سروده است. رک: سید حمید روحانی، همان، ص ۶۹-۶۸.

صلاح اینکه چو یعقوب در فراق عزیزش دهم دو چشم تصدق به افتخار خمینی
خدا نکرده ملالی چو یافت به قلبش به وقت غصه نشیند که در کنار خمینی
مگو مگو که چنین حرف بر قلوب غم آرد بس است اینکه خداهست، عون و یار خمینی^۱

الا ای آیت الله خمینی گل سرخ گلستان حسینی
اگر چه از وطن تبعید هستی یگانه مرجع تقلید هستی
مجاهد مرد تاریخ زمانی فروغ محفل آزادگانی

شاه را گو مرجع تقلید را آزاد کن مسلمین خسته دل رازین الم دلشاد کن
گر که می نازی به تخت و بخت و تاج و اقتدار این جهان فانیهست تاریخ پدر را یاد کن^۲
پس از تبعید امام به ترکیه، یکی از راهبردهای اصلی مبارزاتی در قم، برگزاری
مراسم دعای توسل بود که در حرم مطهر حضرت معصومه (س) برگزار می شد و
در برخی مواقع، افراد مبارز، با تمسک به زبان شعر، به بیان مخالفت با تبعید امام
می پرداختند. از جمله، ابیات زیر در آن محفل سیاسی - معنوی قرائت می شده است:

این خمینی؟

یار بنا فارحم بنا، این خمینی واحسرتا من هجره، این خمینی
نام خمینی بردن از زجر است و زندان زندان چه باشد، جان به قربان خمینی

این خمینی؟

مهر خمینی را خدا بر دل نهاده دل می تپد در سینه از یاد خمینی

این خمینی؟

سلم خمینی ر بنا فاردد الینا واحفظ الھی مصطفی نجل خمینی
فارحم علینا این خمینی؟

چاپ کارت های تبریک نوروز در سال های ۴۳ و ۴۴، از جمله ابتکارات جالب
مبارزان ایرانی بود که در غیاب امام شان، با انتشار عکس او در قالب کارت پستال

۱. این اشعار توسط حسین رحمتی از مرند به تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۴۳ سروده شده است.

۲. آنچه در این مجال نقل شد، گزیده ای از برخی اشعار بود، برای دسترسی به متن کامل رک: سید حمید
روحانی، همان، ص ۷۷-۶۸.





استخدام زبان شعر برای بازگفتن مضامین مرتبط با حوادث نهضت، به یک یا چند شعر، یا یک مقطع تاریخی خاص منحصر و محدود نیست

تبریک سال نو، چراغ مبارزه را روشن نگاه داشتند. در این مرحله از مبارزه نیز از زبان برنده شعر استفاده گردید و جالب آن که در نوروز ۱۳۴۳ و همزمان با ایام حصر امام خمینی، کارت تبریکی طراحی شد که بر روی آن این بیت نقش بسته بود:

بود آن روز بر ما عید مطلق که در جنبش در آید پرچم حق
عیناً در نوروز سال ۱۳۴۴ نیز همین رویه تکرار شد و این بار با توجه به تبعید مظلومانه امام به ترکیه، بر روی کارت تبریک ابیاتی نقش بسته بود که به ماجرای تبعید ایشان، اشاره مستقیم داشت:

ای گل آمال و بهار امید رهبر آزاده، زعیم رشید
بهر کسی بی تو، بهاری نماند شادی و امید و قراری نماند
ز آنکه بهار دل ملت تویی عید حقیقی بحقیقت تویی
دیدنت ای رهبر بیدار ما هست شفای دل بیمار ما
دین فروزنده ز اقدام توست روح خدا جلوه‌گر از نام توست^۱

سید اسدالله رسا مدیر روزنامه قانون^۲ نیز از جمله کسانی است که اگرچه نامی از وی در زمره شاعران انقلاب اسلامی به میان نیامده اما این شخصیت سیاسی با سابقه و ستم‌ستیز نیز در مورد حادثه خونین «۱۵ خرداد ۴۲»، شعری سروده است که برخی بیت‌های آن در ذیل می‌آید:

چون جوی خون ز دیده ببارم من اشک خون

۱. محمدحسین رحیمیان، در سایه آفتاب: یادها و یادداشت‌هایی از زندگی امام خمینی (ره)، تهران، شاهد، ۱۳۹۰، ص ۳۴-۳۵. این اشعار به خط جناب حجت‌الاسلام رحیمیان در کارت تبریک نگاشته شده است و اشعار متأخر در یک نمونه دیگر از کارت‌های مربوط به سال ۴۳ نیز با اضافه بیت آخر چاپ شده است ولی در کارت مربوط به سال ۴۴ بیت آخر که اشاره به نام روح‌الله دارد، نیامده است.

۲. سید اسدالله حسین‌زاده (مشهور به رسا) در دوران خفقان بار عصر پهلوی‌ها کارنامه مبارزاتی روشنی داشته و بارها به دلیل مخالفت با رژیم و قلم‌فرسایی علیه خط قرمزهای حکومت وقت (از جمله رژیم غاصب اسرائیل و امور مشابه)، متحمل زندان‌های طولانی‌مدت و شکنجه‌های شدید شد و سرانجام در اثر همین زندان‌ها به بیماری قانقار یا مبتلا گردید و به رغم میل باطنی به اسرائیل فرستاده شد و بعد از مدتی جنازه‌اش را به ایران فرستادند که خواهرش (معصومه رسا) بر این اعتقاد بود که رسا کشته شده است. مرحوم رسا از جمله کسانی است که با نهضت آیت‌الله نجفی اصفهانی همراهی مستمر و مثبتی داشته است. برای اطلاع تفصیلی در این باره، رک: مظفر نامدار، چند قطره خون برای آزادی (خاطرات سید اسدالله رسا، روزنامه نگار مبارز و آزادیخواه دوران دیکتاتوری پهلوی به انضمام مقالات، اسناد، مکتوبات و اشعار منتشر نشده رسا)، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱، ص ۲۶-۱۵.



از بس میان شهر [ناخوانا] از سر گذشت
 از خون پاک سینه افراد بی گناه
 بگرفت رنگ خون در و دیوار و کوه و دشت
 داد از دمی که بی کفنان در کنار عرش
 [ناخوانا] نیمه خرداد و سر گذشت
 تنها نه شهر تهران گردید غرق خون
 شد قتلگاه مشهد و قم، اصفهان و رشت
 از پایتخت بس که به گردون فغان رسید
 منسوخ گشت حالت تفرج و سیر و گشت
 ای دست انتقام برون آ ز آستین
 تا بنگری که کار جنایت ز حد گذشت
 هر کس که خون بیگنهان ریخت بر زمین
 خون دلش زمانه بریزد میان طشت
 باری، گذشت نیمه خرداد و ای خدا
 تنها تو عالمی که چنان تلخ و بد گذشت
 تعداد کشتگان را چو دانی تو ای «رسا»
 [ناخوانا] تا به هفت و هشت!^۱

از جمله پیشاهنگان شعر انقلاب اسلامی، محمدعلی مردانی است که با راه اندازی انجمن نغمه سرایان مذهبی از سال ۱۳۵۱، در افشا کردن چهره حقیقی رژیم پهلوی اهتمام داشت. مردانی در توصیف قیام ۱۵ خرداد و حوادث بعد از قیام، شعرهای بسیار حماسی با وزنهای مختلف سروده است. زمزمه یک نمونه از شاعرانه‌های حماسی این شاعر خالی از لطف نیست:

«دست ظلم شاه»

آن روز صبح مردم نستوه نامدار از گوشه و کنار
 پیر و جوان و مرد و زن از خرد و از کبار
 با عزت و وقار
 از هر طرف چو موج خروشان که در بحار

۱. همان، ص ۴۳۰-۴۲۹.



در کوی و رهگذر خوشحال و شاد و خرم و قلب امیدوار
 با گام استوار
 حق جوی و حق طلب همه با شعله گناه
 با سوز اشک و آه تا قطع گردد از سرشان دست ظلم شاه
 هستند دادخواه^۱

استقبال شاعرانه از ورود امام به نجف اشرف

به مناسبت ورود امام به نجف، جشن باشکوهی از طرف روحانیان مبارز و متعهد در مدرسه بروجردی نجف برگزار شد که بسیاری از مقامات روحانی و نیز برخی از مردم نجف در آن جشن شرکت کردند و اشعار زیبایی سرودند. آقای غدیری یکی از فضلاء حوزه نجف نیز قطعه شعری را در آن جشن باشکوه قرائت کرد:

دیدي که عاقبت ز پس ابر قیرگون خورشید بهر نورفشانی گشوده راه
 دیدي که دی گذشت و خزان رفت و گل دمید بلبل به گلشن آمد و شد تازه هر گیاه
 دیدي که خصم از بر خورشید تابناک خفاش و ش گریخت که نتوان کند نگاه
 آن مرجعی که هست به او فخر مسلمین روح الله است نام وی و ارواحنا فداه^۲

جناب استاد محمدهادی یوسفی غروی از اساتید برجسته حال حاضر تاریخ اسلام، از جمله کسانی است که در استقبال از امام خمینی قصیده‌ای به زبان عربی سروده است. گرچه پیش تر یک بیت از شعر ایشان - بدون ذکر نام شاعر - در برخی کتب تاریخی منتشر شده بود، اما برای نخستین بار، متن کامل شعر فخیم ایشان در گفت‌وگوی اختصاصی بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی با ایشان، به قلم خودشان در اختیار آن مرکز قرار گرفت و پنج بیت از آن برای نخستین بار در این مقاله منتشر می‌شود.^۳ متن این شعر به شرح ذیل است:

بشری فقد أنجز الرحمن ما وعدا

۱. محمد طاهری خسروشاهی، همان، ص ۲۷۴.

۲. سید حمید روحانی، همان، ص ۱۷۳.

۳. مصاحبه مربوطه در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ توسط آقایان صادق علیپور و میثم عبداللہی در محل بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی ضبط گردیده است. این شعر از آرشبو همین مرکز تاریخی در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

نجم الخمينی فی أفق العراق بدا^۱
 لله آيته العظمی و حفته الكبرى
 وغابه علم أنجبت أسدا
 تعجبوا من هلال العيد يطلع فی
 الجمادی أمر عجیب قط ما عهدا
 فمن موال یوالی الحمد مبهتلا
 و مخلصا یستدیم الشکر مجتهدا
 و ذو ضغائن طارت روحه شفقا منه
 و طاحت شظایا نفسه قددا^۲

استخدام زبان شعر برای بازگفتن مضامین مرتبط با حوادث نهضت، به یک یا چند شعر، یا یک مقطع تاریخی خاص منحصر و محدود نیست. چنان که بعد از شهادت فرزند برومند امام خمینی، مرحوم «سید محمد حلی» در رثای مصطفی شعری سرود که امام خمینی شعر او را به خط نسخ بر گوشه یکی از کتاب‌هایش نگاشت. این شعر که از هم‌نوایی حوزه نجف با امام در مصیبت مصطفی حکایت دارد، به قرار ذیل است:

یا مصاباً ضضع الدین له
 ائکل الشرع و ابکی نجفا
 زال اقصى الروح فی تاریخه
 اذهل العلم لرزء المصطفا^۳

پژواک اعتراض انقلابی در شعر آئینی

«شعر آئینی» عنوانی است که نظر به مضامین مذهبی اشعار و پیوند آن با موالید و شهادت‌های اهل بیت (ع)، در سال‌های اخیر مورد استعمال و استقبال محافل ادبی

۱. ستاره خمینی در افق عراق پدیدار شد / مزده که سر نوشت به وعده خود وفا کرد

۲. ترجمه برخی اصطلاحات مشکله در شعر: هلال العيد: تشبیه پیشانی امام به هلال عید فطر، امام در ماه جمادی‌الثانی وارد عراق شدند و در این شعر آمده است که هلال عید فطر در ماه جمادی طلوع کرد و این مطلب عجیبی است. ذو ضغائن: انسانی که دارای عقده‌ها و کینه‌هاست و منظور شاه است. (این نکات به نقل از استاد غروی در اینجا ذکر شده است.)

۳. محمد حسن رحیمیان، همان، ص ۱۳۱.





شعر انقلاب اسلامی به جای آن که در محفل‌های دوداندود شاعران روشنفکر حبس شده باشد، از دل توده‌های مستضعف جامعه ایران برآمد و فریاد خروش و خیزش را همه گیر کرد

قرار گرفته است.^۱ اما در بررسی روند تولد و رشد شعر انقلاب اسلامی، جایگاه شعر آئینی به عنوان نقطه تلاقی دو نهضت اصیل شیعی یعنی «نهضت عاشورای سال ۶۱ هجری» و «نهضت امام خمینی در سال ۴۲»، همچنان مغفول مانده است. از این منظر، شعر آئینی که پیش از آغاز نهضت امام، تنها

به «موضوع» متوجه بود، حالا در «موضوع» قرار گرفت و پیوند و تناسب طرفینی این دو نهضت، در قالب شعر و مرثیه محقق شد.

بدین صورت که پس از ماجرای حمله بی‌رحمانه رژیم شاه به مدرسه فیضیه قم، عملاً پهلوی ماهیت ضد دینی خود را در اقدامی بی‌سابقه نشان داد. امام (ره) درست در همین فضای خفقان‌بار، در آستانه محرم ۱۳۸۳ (خرداد ۴۲) دست به کار شد و در آستانه ماه محرم، شبکه سراسری روحانیت و هیئت‌های عزاداری را برای «روشنگری دینی» بسیج کرد.

ساواک در تقابل با این حرکت، از مبلغین التزام‌نامه‌ای گرفت که طی آن، مطالب‌شان «فقط جنبه مذهبی داشته باشد»، «از آیت‌الله خمینی و مدرسه فیضیه اسمی نبرند» و علیه «لوايح ششگانه شاه» سخنی نگویند! و البته به همین اکتفا نکرد و در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۴۲، کمیسیون ویژه‌ای به فرمان معاون ساواک تشکیل شد و بر اساس آن قرار شد:

- روحانیون طراز اول به منظور تفهیم موقعیت کشور و بر حذر داشتن از هر گونه تحریک در مجالس عزاداری، نزد هیئت رئیسه ساواک احضار شوند.

- کارگردانان و بانیان مجالس روضه و دستجات عزاداری به ساواک احضار شوند برای جلوگیری از تحریکات [سیاسی] و برای حفظ نظم کامل!

- تعداد تکایا بر حسب میزان تندروی (!!) و مخالفت احتمالی آنان تعیین و به صورت درجه ۱ و ۲ و ۳ مشخص شوند.

۱. در تعریف شعر آئینی، نظرهای متفاوتی وجود دارد. برای اطلاع بیشتر رک: رضا اسماعیلی، «موضوع» یا «موضوع»؛ شعر اصیل آئینی چه ویژگی‌هایی دارد؟ خبرگزاری تسنیم؛

بررسی پیشینه تاریخی شعر
انقلاب اسلامی آرمان‌ها و
ماهیت نهضت اسلامی مردم
ایران را نمایان می‌سازد و
محوریت امام خمینی به عنوان
یگانه راهبر این نهضت فراگیر
را نشان می‌دهد

- مأمورین نفوذی (از عوامل
ساواک و مأمورین مخفی
شهربانی) برای کسب اخبار
به موقع، در مجالس روضه‌خوانی
گمارده شوند!

امام در (۲۸ اردیبهشت) در ضمن انتشار

«رهنمون‌نامه‌ای» خطاب به گویندگان مذهبی و سران هیئت‌ها، از آنان خواست که:
در نوحه‌های سینه‌زنی مصیبت‌های وارده بر اسلام و مراکز فقه و
دیانت و انصار شریعت را یاد آور شوید.

خطر امروز بر اسلام، کمتر از خطر بنی‌امیه نیست!

خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید.

روز تاسوعا، ساواک عده‌ای از منبری‌های تهران را احضار کرد و رسماً گفت که
«اگر نمی‌خواهید حملات تبلیغاتی خود را علیه مقامات کشور متوقف سازید، اقلأً
این سه موضوع» را مراعات کنید:

علیه شخص اول مملکت سخنی نگوید!

علیه اسرائیل نیز سخنی بر زبان نیاورید!

مرتب به گوش مردم نخوانید که اسلام در خطر است! دیگر هر
چه بگویید آزادید.

امام در سخنرانی عصر عاشورای ۴۲ در مدرسه فیضیه، جواب این
سیاست‌گذاری‌های رژیم را این گونه داد:

تمام گرفتاری‌های ما در همین سه موضوع نهفته است. اگر از
این سه موضوع بگذریم، دیگر اختلافی نداریم و باید دید که اگر ما
نگوییم اسلام در معرض خطر است، آیا در معرض خطر نیست؟ اگر
ما نگوییم شاه چنین و چنان است، آیا آن طور نیست؟ اگر ما نگوییم
اسرائیل برای اسلام و مسلمین خطرناک است، آیا خطرناک نیست؟
و اصولاً چه ارتباط و تناسبی بین شاه و اسرائیل است...^۱

امام در ضمن پیامشان (۲۸ اردیبهشت ۴۲) خطاب به گویندگان مذهبی و سران

۱. سید حمید روحانی، همان، دفتر اول، ص ۴۹۷-۴۶۲.





شعر انقلاب اسلامی از حیث فنی، نه آنچنان پیچیده و گرفتار فرم است که برای عامه مردم قابل فهم نباشد و نه آنچنان ساده و سطحی است که خواص آن را نادیده بگیرند!

هیئت‌ها، از آنان خواسته بودند که «در نوحه‌های سینه‌زنی مصیبت‌های وارده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت را یادآور شوند». با آغاز محرم سال ۴۲، عزاداری‌ها رنگ و بوی انقلاب گرفت و تا پیروزی نهضت، پیوند عزاداری و مبارزه، همچنان برقرار ماند. پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، مرحوم خوشدل طهرانی در قصیده‌ای گفته بود:

آیت‌الله بروجردی اگر بر بست رخت چون خمینی را خدا بر شیعه مولا می‌کند حکم کن، فرمان بده، از جان و دل فرمان بریم

مردم در لبیک به ندای رهبر نهضت، در محرم سال ۴۲ در نوحه‌هایشان، این چنین دم می‌گرفتند:

| | |
|-------------------|-------------------|
| گفت عزیز فاطمه | نیست ز مرگ واهمه |
| تابه تنم توان بود | زیر ستم نمی‌روم |
| ننگ حیات و لذتش | عزت و مرگ و لذتش |
| من ز یزید بی‌پدر | ظلم و ستم نمی‌کشم |

* * *

| | |
|----------------------|---------------------------|
| شد ساحت فیضیه عاشورا | در روز قتل زاده زهرا |
| در تربت اعلی | شد موج خون برپا |
| عمال اسرائیلی رسوا | کشتند از کین بی‌پناهان را |
| در تربت اعلی | شد موج خون برپا |

* * *

دانشگاه فیضیه / چو دشت ماریه / طلاب دینیه

افتاده جسم هر یکی‌شان از لب بام

واویلا واویلا

قم شده کربلا / هر روزش عاشورا

فیضیه قتلگاه / خون جگر علما

واویلا... واویلا

برخی دیگر از عزادارها هم چنین هم‌خوانی می‌کردند:

شد موسم یاری مولانا الخمینی ای شیعیان برپا کنید شور حسینی
 جان را به کف بنهاده‌ای در راه قرآن خمینی، خمینی تو زاده حسینی
 خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو بمیرد، بمیرد، دشمن غدار تو
 خمینی خمینی، ملت طرفدار تو بمیرد، بمیرد، دشمن خونخوار تو
 مرگ بر این قلدر قانون شکن خمینی شاه شکن، خدا نگهدار تو

فرمود والله ان قطعتموا یمینی شد موسم یاری مولانا خمینی
 ای اهل عالم، الله اکبر

یوم القیام است، روز انقلاب است
 تنهانه در کربلا قحط آب است
 قحط عدل است*** قحط فضل است
 حق بر باطل پیروز است

رهبر جهانی، مرد آسمانی
 حماسه آفرین تاریخ جهانم / آئینه بام، امیر المؤمنانم
 الحق دوله، باطل جوله
 رهبر انقلاب، تشنه ام نی بر آب
 تشنه آزادی و خون ستمگر

پس از دستگیری و زندان و تبعید امام نیز، همچنان بازار اشعار و نوحه‌های انقلابی
 گرم ماند که خود موضوع نوشتاری دیگر است.^۱ اما نباید از یاد برد که این نوحه‌ها،
 اولین تجلی «هنر انقلاب اسلامی» اند که بسیاری به اشتباه، پیشینه آن را به زمان
 پس از پیروزی نهضت بر می گردانند.
 پیوند نهضت امام خمینی با معارف عاشورایی که در اشعار فوق متجلی است،

۱. زحمت روایت رویدادها و ثبت شعرها و شعارها، به عهده همان نفوذی‌هایی بود که به تصویب کمیسیون
 ویژه ساواک، در همه هیئت‌ها حضور داشتند! این است که مطالب پیش گفته همه در اسناد ساواک آمده است.
 اسامی سرانندگان نوحه‌ها و اشعار به دلیل مراعات اختصار ذکر نشده است. برای اطلاع بیشتر رک: سید
 حمید روحانی، همان، ص ۴۸۶-۴۶۷؛ اکبر فلاحی، محرم و انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب
 اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۴-۹۴؛ زاهد غفاری هنجین و هانیه خدادادی، هیئت‌های مذهبی و انقلاب اسلامی،
 تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴-۱۱۲.



شعر انقلاب اسلامی، در مضمون
گرفتار مکاتب الحادی و التقاطی
نیست و چونان آرمان‌های
نهضت، اصیل و برآمده از
آموزه‌های اسلام ناب است

بهترین دلیل بر دینی بودن حرکت مردم به
رهبری امام خمینی است. خودجوش بودن هنر
انقلاب و مردمی بودنش، همه دستگاہ فرهنگی و
هنری نخبگانی و مزدور رژیم را ناکارآمد کرد.

موضع و موضوع شعر انقلاب

شعر انقلاب اسلامی، همچون هر پدیده فرهنگی و هنری دیگری، عاری از تجربه نشیب و فرازهای مختلف (در قالب و محتوا، و در لفظ و معنا) نبوده و نیست. این چکامه پرطنین و آهنگین، هم‌ساز چاکاچاک شمشیرهای آهیخته همه مجاهدان راه اسلام، هر آنجا که لازم است سروده و شنیده می‌شود. بازخوانی تطور و تحول شعر انقلاب اسلامی، حتماً موضوع نوشتاری مبسوط و مستقل است اما در اینجا تنها برخی سرفصل‌های آن از نظر خواهد گذشت، باشد که موضوع تأملات محققین ارجمند گردد.

در یک بررسی کلی، نکاتی چند در باب شعر انقلاب اسلامی قابل ذکر است:

۱. به نظر می‌رسد نقطه آغازین شعر انقلاب اسلامی همچنان به اشتباه، پیروزی انقلاب اسلامی تلقی می‌شود؛ در حالی که همان‌طور که گذشت، آثار فاخری در این حوزه وجود دارد که نشان از تولد این درخت پرثمر در آستانه نهضت امام در دهه چهل دارد.

۲. از انقلاب سرودن غیر از «انقلاب‌سرایی» است. اگر چه غلبه عواطف و ادبیات بر مفاهیم و معانی، موجب شد که در سال‌های مبارزه، برخی اندیشمندان انقلابی، به جای اصالت معنا، شعر و حماسه و انقلاب‌سرایی را اصل قرار دهند.^۱ این است که حتماً در بررسی آثار مربوط به «شعر انقلاب اسلامی» ناگزیر باید دست به عصا راه رفت تا برخی نوشتارهای التقاطی و احياناً انحرافی یا مکتب‌زده، به عنوان بیتی از غزل شعر ناب انقلاب اسلامی جای نگیرد.

۳. در نخستین سال‌های انقلاب، بیش و پیش از هر چیز، شاعران به بیان اندیشه‌ها و باورهای انقلابی و دینی پرداختند که با ظهور جنگ، مسائل جنگ چون ستایش

۱. به رغم احترام به جناب دکتر شریعتی، آثار ایشان - آن گونه که شهید مطهری در نامه به امام توصیف کرده‌اند - آکنده از انقلاب‌سرایی است. این است که در بازخوانی آثار ادبی عصر انقلاب، می‌بایست تفاوت انقلاب اسلامی با اسلام انقلابی از نظر نرود.



محوریت امام خمینی همواره در شعر انقلاب اسلامی پیداست و یکی از بهترین ادله برای اثبات یگانگی رهبری در صفوف مبارزه، بازخوانی اشعار انقلابی در دهه‌های چهل و پنجاه است

مجاهدت مردمی، ستایش شهیدان و تقبیح دشمنان و متجاوزان، محوری‌ترین مضمون و موضوع جاری در سروده‌ها شد. جریان دیگری در سال‌های پایانی دهه شصت و دهه هفتاد ظهور کرد که در گیر نوعی تکاپو در فرم و قالب‌های جدید و کشف فضاها و مضمون‌های تازه شد.^۱

۴. در بررسی شعر انقلاب اسلامی، تفکیک شعر اصیل انقلاب - که پیگیر آرمان اسلام ناب است - با اشعار سیاسی و انقلابی که در عصر انقلاب سروده می‌شدند، یک ضرورت است. گرچه ادبیات چپ بخش مهمی از ادبیات مبارزه را شامل می‌شد اما نمی‌توان بی‌محابا آن را در قالب شعر انقلاب دسته‌بندی کرد. اگرچه برخی از شاعران این عرصه، به رغم دلدادگی به مکاتب الحادی، همچنان از مضامین مذهبی بهره می‌بردند و این نشان می‌دهد که مخاطب مسلمان و متعهد این شاعران، آنان را مجبور به حرکت در مسیر مضامین دینی نموده است.^۲

۵. آن گونه که پیش‌تر نیز شرح داده شد شعر انقلاب اسلامی گرفتار محافل ادبی تخصصی نشد و در میان عامه مردم زبان به زبان چرخید و همه گیر شد. شعارهای خلاقانه و سرودهای انقلابی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، یک جلوه از این هم‌آمیختگی هنر انقلاب با عامه انقلابیون بوده است.

۶. شعر دفاع مقدس نقطه عطف و نقطه رهایی شعر انقلاب اسلامی است که نسلی از شاعران انقلابی و آثار فاخر ادبی، در فضای این حماسه ماندگار متولد شدند.
۷. بازتاب مصیبت عظمای فقدان امام عزیز، تکانه و تکاپوی مهم دیگری در شعر انقلاب اسلامی است که البته همچنان ناشناخته مانده است.

۸. شعر مقاومت و خصوصاً اشعار مربوط به دفاع از سرزمین فلسطین، ژانر مهم دیگر در عرصه شعر انقلاب اسلامی است. این عرصه در صدور انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای ایران، و در هم‌صدایی هنروران آزاده در سراسر جهان تکلیف و تعهد ویژه بر دوش داشته و دارد.

۹. شعر آئینی که در سال‌های اخیر تبلوری تحسین‌برانگیز یافته، اتفاق مهم دیگر در شعر انقلاب تلقی می‌شود که رابطه هیئت‌ها و حسینیه‌ها با جریان پویای انقلاب

۱. محمدرضا سنگری، «تکامل شعر انقلاب اسلامی»، مجله شعر، سوره مهر، ۱۳۸۶، ش ۵۳، ص ۶۱-۵۸.

۲. گلسرخی نمونه خوبی در تقریب این حقیقت در شعر انقلاب اسلامی است.





اسلامی را باقی و برقرار و قویم نگه داشته است.

۱۰. ماجرای شعر بیداری اسلامی، وقوع حادثه تلخ و عبرت آموز منا، و خصوصاً پیدایی جریان دفاع از حرم، هر کدام در جای خویش تحرک و شوک شعری دیگری در دل شعر انقلاب اسلامی بوده‌اند که جای بررسی مستقل و مبسوط دارد.

جمع‌بندی

بررسی پیشینه تاریخی شعر انقلاب اسلامی آرمان‌ها و ماهیت نهضت اسلامی مردم ایران را نمایان می‌سازد و محوریت امام خمینی به عنوان یگانه راهبر این نهضت فراگیر را نشان می‌دهد. با مرور پیشینه تاریخی شعر انقلاب اسلامی معلوم می‌شود که نقطه آغاز شعر انقلاب اسلامی با آغاز اصل نهضت متولد شده است و از آن پس، شعر در همه مراحل نهضت، حضور دارد و آتشفشان واژگان، تنور مبارزه را در همه ادوار و فراز و فرودهای نهضت امام خمینی، گرم نگاه داشته است. تنوع موضوعی و روزآمدی شعر انقلاب اسلامی، ظرفیتی تمام‌نشدنی را پیش روی انقلابیون مسلمان گشود که در مراحل مختلف، از آن به بهترین وجه ممکن بهره بردند. شعر انقلاب اسلامی به جای آن که در محفل‌های دوداندود شاعران روشنفکر حبس شده باشد، از دل توده‌های مستضعف جامعه ایران برآمد و فریاد خروش و خیزش را همه‌گیر کرد. شعارهای آهنین و موزون، سرودهای انقلابی ماندگار که اکنون در حافظه آوایی مردمان ایرانی ثبت شده‌اند و مرثیه‌ها و نوحه‌های عاشورایی مبتنی بر حوادث سیاسی-انقلابی، تنها بخشی از نمود اجتماعی شعر انقلاب اسلامی بود.

شعر انقلاب اسلامی از حیث فنی، نه آنچنان پیچیده و گرفتار فرم است که برای عامه مردم قابل فهم نباشد و نه آنچنان ساده و سطحی است که خواص آن را نادیده بگیرند! در عین عام‌فهم و خاص‌پسند بودن، تعهد به استیفای حقوق مردم در قالب پی‌جویی آرمان‌های اسلامی، شاخصه ثابت این گونه ادبی است و در حقیقت در دوران پرحادثه مبارزه شعر، زبان مردمان مبارز و همراه و همدم آنان بوده است. روشنگری و آخته نگاه داشتن آتش‌های زیر خاکستر در لابه‌های ناپیدای اجتماعی، کار کرد سترگ شعر انقلاب اسلامی است که همچنان در آثار انقلاب‌پژوهان ایرانی و غیر ایرانی، مغفول مانده است.

محوریت امام خمینی همواره در شعر انقلاب اسلامی پیداست و یکی از بهترین ادله برای اثبات یگانگی رهبری در صفوف مبارزه، بازخوانی اشعار انقلابی در دهه‌های چهل و پنجاه است.

شعر انقلاب اسلامی محدود و منحصر به زبان معیار نیست، چه اینکه در یک جغرافیای خاص نیز نمی‌گنجد. شعر انقلاب، شهر و روستا نمی‌شناسد و در قالب یک گویش و لهجه و زبان خاص نمی‌گنجد. شعر انقلاب اسلامی در گستره‌ای به بزرگی اصل نهضت و هم‌پا با آن، حیات دارد و بر جان تشنگان، باران زندگانی می‌پراکند. شعر انقلاب اسلامی، در مضمون گرفتار مکاتب الحادی و التقاطی نیست و چونان آرمان‌های نهضت، اصیل و برآمده از آموزه‌های اسلام ناب است. شعر انقلاب اسلامی از ریشه و هویت تاریخی برخوردار است و توجه به پیشینه تاریخی این گونه شعری، خط امتداد رویش و رسش و تعالی آن را نشان می‌دهد.

